

رهبرارکستر انجمن ، شادروان روح الله خالقی ویا دیگران به اجرا گذاشته میشدودرنشریه وابسته ای نیز شرحی برآن منعکس میگردد.

بیاددارم هنگامی که برای فراگیری ویلن ( یعنی صحیح نواختن این ساز) نزد رئیس هنرستان موسیقی بین المللی آن زمان شادروان روییک گریگوریان آموزش میدیدم قسمتی ازترانه های فارس رادراختیار ایشان قراردادم که مورد استفاده گروه آواز دسته جمعی هنرستان بود که بصورت هم آهنگی درجزوه جداگانه به چاپ رسیدواکنون دردسترس می باشد ولی ازآنجا ئی که هرعشق و شوری دستخوش حوادث زمانه می گردد و بواسطه عدم وجود دستگاههای تکثیر کننده پیوسته بصورت پراکنده مورد استفاده این این و آن قرارمیگرفت ودیگر آنکه دائماً درحال تکامل بود وموفق به چاپ وانتشار این مجموعه نشدم وآنچه را که جمع آوری کرده بودم درآتش سوزی منزل درآمریکا قبل ازاقدام به چاپ ازبین رفت ازآن زمان فیش هائی دراین مهم که بخشی از هویت ایران وایرانی است ، بوسیله اینجانب ، متدرجا تهیه گردید.

شاعری گفته است سخن کردل برآید لاجرم بردل نشیند ، وظیفه خود دانستم که درحفظ و نت کردن ترانه های محلی وهمچنین جمع آوری آنها واقدام به چاپ را ، سرلوحه کارخودقرارداده باشم که مورد استفاده عموم و همچنین متخصصان جهت بسط و توسعه آهنگسازی قرارگیرد.

اکنون بصورت مجموعه وجهت تکمیل آنها بعنوان جلد چهارم شامل: موسیقی جنوب ، شیراز وتوابع ، بوشهر و نیلات ، قشقائی ، بختیاری ، لرستان ، خوزستان ، وبنادر تقدیم داتره المعارف بریتانیکا گردیده است .

نت نویسی این مجموعه برای اجرا دردرجه اول مناسب با سازهای بادی وکمانی یا زهی است ودرصورت ضرورت ازسازهای مضرابی نیز می توان استفاده کرد.

دراینجا نوشته ای از همسرم را که دربرگیرنده مطالبی پیرامون موسیقی محلی است می آورم تا این بحث کامل شود:

## آوای کوهسار

### اقدس ذوالفنون

چه انگیزه ای والاتراز چشم انداز بکر روستا میتوان دردل پاک چوپانی یافت که ازخلوت پگاه روستا تا غروب سرخ وخیال انگیز بدنبال گله می دود ودرخلوت طبیعت گم می شود ویابابیلی برجان زمین می افتد وبا دستهای پینه بسته وآفتاب سوخته یا دانه می کارد و یا دانه هائی برمی دارد؟ این همه ی روزگارساده زنان ومردانی است که جز طبیعت پاک درذهن واندیشه آنان نمی گذرد. گاه با قطعه ای خیزران ونقش چند سوراخ برآن ، سازنی که سازنده ابتدائی آن هم همین مردم روستا بودند بربل میگذازندونوائی که برخاسته ازجان شیفته آنان است درآن می دمند واشعاری زمزمه می کنند که آشناک وسوزان است وخاللی ازهر ریا وانگیزه های دانش تعلیمی وشهری است ونه باوزن و قافیه خویشی دارد ونه آموظگاری به خوددیده !

آنجا که دلش می تپد وعشق را باهمه رگ وریشه ، برجان گر گرفته اش حس میکند به سایه ساری تکیه زده وواژه هائی برزبانش جاری میشود که چونان آتش مذاب دل شنونده را می سوزاند . این ترانه ها آنگاه که ازجان عاشق برمی آید لاجرم بردلهای مشتاق می نشیند وسینه به سینه می گرددودردیوان اشعار شاعران کنجکاو ثبت وضبط



میشود.چراکه ، سرچشمه ای درواز هر انگیزه خودستائی وخودنمائی دارد.وقتی لبان داغ تشنه ازآفتاب یارارا میبیند ودلش میلرزد، چه زیبا میگوید:

زلفای یارم بی نظیره  
لباش چو قیچاق شیره  
چرا! چون قیچاق شیر برای او ملموس تر وشیرین تر ازلعل ویاقوت است . او درذهن ساده وبی پیرایه خود چیز زیباتری نمی یابد که لبان تشنه وداغ وترگ خورده یاررا همگون سازد. ویا می سراید:

زریسته به سر دسمال زر بسته  
چون او که هاله به دور قمریسته

ماه وخورشید وآسمان وباران ومهتاب ودرنهایت فرآورده های لبنی آنهاهم به وجه کاملاساده اینها همه مواهب الهامی او هستند . میگوید :

با کلیدی از سپیده قفل شبو واکنم - ازتو صندوق صدهزارتا مرواری بیداکنم ویا:

نگارم میچرونه میش و برّه - بگردم روزو شو دره به دره  
چو کوک(کبک)مست میره سوی صحرا- دلم ازدوریش شد ذره ذره

و یا :

دلم میخواد دلم یک مادیونی - سمندی ، گره ای باریک میونی ویا:

به قربون میروم زلف نگارم بروی سینه اش گندم بکارم بروی سینه اش گندم نمیشه-همین بس حاصل اون جفت انارم باری انگیزه این نوشتار بعنوان یار همراه محمود ذوالفنون درگذر بیش از ۴۷ سال زندگی و شاهد عینی علاقه وشیفتگی او به ترانه های فولکلور وآهنگهای روستائی کشورعزیزمان ایران که درهرفرصت نوای محلی بگوش او رسیده ، به روی تکه کاغذی بلافاصله پنج خط حامل را کشیده وکلید سلی درگوشه چپ آن نهاده و آن ترانه را به نت درمی آورد.وبموقع درنگجینه خود که متأسفانه بارها درهجوم رقابت ها و ناسازگاری های دست اندر کاران رادیو ویک بارهم درشعله های آتش سوزی منزل به خاکستر تبدیل شده واو باز این مهم را بکمک حافظه جمع آوری کرده است .

## \*بیشتر ترانه های محلی ایران توسط استاد ذوالفنون نت شده و بطور کامل در اختیار دائرة المعارف ایرانیکا قرار گرفته است .

## \*یکبار قبل از چاپ ترانه های جمع آوری شده توسط استاد ذوالفنون، همه در آتش سوخت و خاکستر شد و استاد با رنج فراوان به جمع آوری دوباره آنها همت گماشت .

چون تمامی آهنگهای فولکلور سراسر ایران بدست او نت شده منهنم که بسهم خود به همان اندازه شیفته ودلباخته ادبیات روستائی هستم ، باشارتائی به چند نمونه زیبا ازترانه های روستائی ، یادآور اندیشه های پاک مردم ساده وعاشق سرزمینم ایران شدم . اقدس ذوالفنون

\*\*\*

دراینجا برای علاقمندان به موسیقی ایرانی تابلوئی را تقدیم میکنم که با کمک آن میتوانید نام دستگاهها و آوازهای موسیقی ایرانی را به آسانی بخاطر بسپارید:

## سرچشمه ناب ادب

دراین تابلو به ترتیب :

س : سه گاه  
چ : چهارگاه  
م : ماهور  
ن : نوا  
ب : بیات اصفهان  
د: دشتی  
ز: راست پنجگاه  
ش : شور  
ه : همايون  
ا : ابو عطا  
ب : بیات ترک

محمود ذوالفنون- سن خوزه کالیفرنیا

\*\*\*

آزادی : با سپاس فراوان از استاد محمود ذوالفنون در شماره آینده به شرح زندگی ایشان خواهیم پرداخت .